

ادامه از صفحه اول

جامعه پزشکی و سخنان رئیس‌جمهور

… البته حرف درستی است ولی طراحی و اجرای آن نیازمند دانش عمیق و اطلاعات کافی و قابل استناد و تعهد سیاسی لازم، اجماع ملی و حوصله تربیت است. این‌جانب به عنوان کسی که نظام‌های سلامت در اروپا و انگلستان را تقریباً می‌شناسم و از تفاوت و مدال‌های آموزش سازمان‌های نظیر میزان منابع اختصاص‌یافته و زمینه‌های زندگی و کار منابع انسانی چون پزشکان در آنها و تفاوت آنها با ایران مطلعم و در دوره دفاع مقدس از نزدیک حجم فداکاری‌ها و زحمات بخش پزشکی و پزشکان را شاهد بودهام، نحوه مقایسه ایشان و تعمیم آن را خالی از اشکال نمی‌بینم و مثال‌های ایشان اگرچه با دغدغ‌های قابل‌عتنا همراه است اما با توجه به حجم کار پزشکان در کشورهای مختلف و نکته‌های فنی تقریباً صحیح نیست. ضمناً اولاً شایسته‌تر بود که بین دو دوره ده‌های اول انقلاب و زحمات فراوان و فداکاری‌های بزرگ کادر پزشکی کشور با دوره اخیر که آسیب در حوزه نظام پزشکی در کنار آسیب‌های دیگر روی داده است، تفاوت قائل شد و آسیب‌های نظام پزشکی کشور در سال‌های اخیر را آسیب‌شناسی عالمانه کرد. ثالثاً نباید همه را به یک چشم دید و زحمات خیل عظیم پزشکان خدم و خادم را با غفلت بی‌اعتبار کرد. ثالثاً باید کیفیت خدمات را با تحلیل زمینه‌های کار پزشکان و حجم کار آنها و مشکلات معیشتی آنها در شرایط موجود و مبتنی بر قاعده و نه استسنا دید. رابعاً صنف پزشکی را باید با صنف روحانیت که در جنبه فضیلت‌گرایی و معنویت کار شباهت‌های نزدیکی دارند و معمولاً مقایسه می‌شوند، در درون خویش مقایسه کرد و متصفانته سخن گفت. خالصاً قبل از ایراد این سخنان درباره هر حوزه فنی و تخصصی‌ای باید مقداری بیشتر درنگ کرد و درباره اجتماعی‌کردن آموزش پزشکی مقداری بیشتر مطالعه کرد یا از مشاوران مطلع بیشتر بهره برد. به نظرم جا دارد مقام ریاست‌جمهور که حفظ شان و اعتبار ایشان حفظ شان و اعتبار کشور است، از جامعه پزشکی کشور برای نحوه بیان خود بزرگوارانه و شجاعانه دلجویی کند و با تقدیر از زحمات جامعه پزشکی در سال‌های بعد از انقلاب، اجتماعی‌شدن بیشتر آموزش پزشکی و کمک و مساعدت جامعه پزشکی کشور در این مسیر را با نگاه عالمانه طلب و پیش‌نیازهای آن را فراهم کند. البته جامعه پزشکی سازمان محترم نظام پزشکی شایسته است راساً دل در گرو اصلاح و تصفیه بسیاری از سوءاستفاده‌های رایج‌شده در بازار سلامت و پزشکی کشور و کنترل بعضی کادر پزشکی و پزشکان متخلف مطابق قانون بگذارد تا به سلامت مردم و منزلت پزشکان و سرمایه اجتماعی کشور بیش از این آسیب نرسد. شرایط ایجادشده متأسفانه می‌تواند به فرصت اجماع در اول وزارت دکتر نمکی که کشور و نظام سلامت بسیار به آن نیاز دارد، آسیب وارد کند و نیازمند ترمیم است. ان‌شاءالله که با همدلی نظام سلامت کشور، مردم و دولتمردان این اجماع بزرگ شروع اصلاحی عمیق و اثربخش در نظام سلامت کشور باشد.

اینستکس ترک در دیوار تحریم ترامپ؟!

اما درباره اروپا باید ایران یک سناریوی موازی را با اروپا آغاز کند. روابط دوجانبه و نقطه‌نظراتی که اروپایی‌ها درباره مسائل موشکی و حقوق بشر و سایر موارد ممکن است داشته باشد یا نقطه‌نظراتی که ما با اروپا داریم یک بحث است اما بحث برجام و برپا نگه‌داشتن سازه برجام بحث دیگری است. به عقیده من این سازوکار اگرچه با تأخیر اعلام شده اما اگر با رویکرد مثبت به آن نگاه کنیم، می‌تواند به نوعی از تنش‌های ایجادشده میان ایران و اروپا نیز بکاهد. بستگی به این دارد که ما بدانیم با چه رویکرد و انتظاری به این اقدام اروپا و اینستکس نگاه می‌کنیم. اگر انتظارات ما انتظارات حاکمتری است یا حتی انتظاراتی است که اصلاً قرار نبوده از ابتدا این‌گونه باشد و ذهنیت طرف ایرانی با هر طرف دیگری و با هر مقصودی این را مطرح‌کرده باشند، طبیعی است که نه ما به سرانجام می‌رسیم و نه آن تنش‌ها مرتفع می‌شود. ولی اگر انتظارات معقول و حداقلی و جهت برپا نگه‌داشتن سازه برجام و سرسوزاندن دادر به مسائل تجاری با اروپا و جهان باشد، می‌تواند تأثیر مثبت داشته باشد؛ چراکه ما گفتمان جدیدی را با اروپایی‌ها آغاز می‌کنیم. اروپا حلقه نخست تمدنی ما و حلقه اول مسائل سیاسی امنیتی و اجتماعی خاورمیانه است و این ایجاب می‌کند که ایران علاوه بر مسائل روزمره و تنش‌های جاری تا حدودی با اروپایی‌ها گفتمان تازه و سازنده‌ای داشته باشد. درعین‌حال با شرایطی که ایران دارد و با این میزان فروش نفت و فشارهایی که روی ایران حاکم است، هر ترکی در سازه تحریم ترامپ و به نفع ایران به وجود آید، برای ما جای خوشحالی دارد. من نمی‌توانم بپرورد کنم که اینستکس چه میزان تحریم‌ها را از بین خواهد برد اما قطعاً آن چیزی که قبلاً گفته می‌شد، حتی اروپایی‌ها هم اعتقاد نداشتند که این سازوکار تحریم‌های ترامپ را دور برند ولسی می‌تواند اثرات منفی این تحریم‌ها بر زندگی مردم کاهش دهد. با این‌همه آن‌طور که آمریکایی‌ها اعلام کرده‌اند، درصدد برخورد و رویارویی با شرکتی‌هایی که وارد معامله با ایران می‌شود، هستند و حتی با صراحت اعلام کردند از نزدیک مطالب را دنبال می‌کنند و با هر شرکتی که در چارچوب تحریم‌ها بخواهد با ایران کار کند، برخورد خواهند کرد…

ادامه در صفحه ۱۳

✎ انقلاب اسلامی ایران از حیث استراتژیک یکی از مهم‌ترین رویدادهای سده اخیر محسوب می‌شود زیرا با پیروزی انقلاب مناسبات کشور مهمی مانند ایران با تمام دنیا تغییر کرد؛ به‌خصوص آنکه در ایام تقابل‌های دو تفکر چپ و راست در عموم کشورهای جهان، انقلاب ایران با محوریت دین به پیروزی رسید. این مهم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

انقلاب اسلامی سال ۵۷ یکی از مهم‌ترین تحولات نیمه دوم قرن بیستم است که از لحاظ محتوا، شکل و اثرگذاری با تمام انقلاب‌های دوران معاصر متفاوت است. زمانی که در جامعه غرب جریان‌های روشنفکری و نظام سرمایه‌داری دین را به حاشیه رانده بودند و آن را به‌عنوان یک عنصر بی‌مسئولیت و صرفاً در حوزه شخصی افراد معرفی می‌کردند و در شرق نیز مارکسیسم به‌صراحت بر نفی خدا، معنویت و متافیزیک تأکید و حتی دین را به‌عنوان اقیون توده‌ها معرفی می‌کرد، انقلاب ایران بر اساس عنصر دین شکل گرفت و قرائتی متفاوت از دین به جهان ارائه داد. انقلاب اسلامی ایران دین متحجر، خرافی و سازش‌پذیر با ظلم را کنار گذاشت و یک دین انقلابی و ظلم‌ستیز را عرضه کرد. وقتی به تاریخ ایران نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که دین همواره عنصر تحرک‌های ظلم‌ستیزانه بوده است اما بعد از قیام‌های افرادی مانند رئیس‌علی دلواری، میرزاکوکچ خان جنگلی یا تحركات روحانیون در انقلاب مشروطه سران وقت انگلستان و سپس آمریکا به این نتیجه رسیدند که با وجود متدین‌های انقلابی نمی‌توانند به اهداف خود در خاورمیانه و خاصه در ایران برسند؛ از این‌رو با انواع روش‌ها تلاش کردند قرائت ارتجاعی و منحرفی از دین ارائه دهند. علاوه بر سیاست‌های غربی در خالی‌کردن مفهوم دینداری، بعضی از تشکل‌های داخلی نیز اسلام را به مثابه عزلت‌نشینی می‌دانستند که نمونه بارز چنین اندیشه‌ای در میان اعضای انجمن حجتیه یا به تعبیر امام ولایتی‌های افراطی دیده می‌شد که هیچ‌گاه برای خود مسئولیت اجتماعی فرض نمی‌کردند و هیچ قدری در راستای پیروزی انقلاب برنداشتند؛ بنابراین نهضت انقلاب اسلامی توانست دین را به‌عنوان عامل وحدت مردم و عنصر مبارزه علیه ظلم به جهان معرفی کند؛ البته نمی‌توان انکار کرد که گروه‌های متعددی در جریان انقلاب تأثیرپذیرفته از جریان‌های چپ آن دوران بودند و باور نداشتند که تنها راه مبارزه، پیروی از اهداف و اندیشه‌های کشورهای کمونیستی است زیرا به هر حال در آن سال‌ها کمونیست‌ها توانسته بودند انقلاب‌های متعددی در کشورهای آمریکای جنوبی ایجاد کنند. شوروی نیز یک قطب مهم در جهان بود و با ترویج افکار چپ، بسیاری از نیروهای ایران را جذب خود کرده بود، که حزب توده و بعدها چریک‌های فدایی خلق نتیجه سیاست‌ها و اندیشه‌های شوروی بودند. انقلاب ایران در چنین فضایی با تکیه بر عنصر دین، رهبری یک پیشوای دینی و مردم عموماً مسلمان رشد کرد و در نهایت به پیروزی رسید؛ از این حیث انقلاب ایران بسیار جالب توجه و مهم قلمداد می‌شود. مارکسیست‌ها در همان روزها که امام پرچم مبارزه را افراشت و ۱۵ خرداد سال ۴۲ را رقم زد، می‌گفتند که این‌جریان نیز یک تحرک خرده‌بوروازی بیش نیست و راه به جایی نمی‌برد و ریشه در امپریالیسم دارد اما به تدریج معلوم شد که انقلاب اسلامی نه ریشه در پایگاه چپ و نه راست داشت. نکته بسیار مهمی در جریان انقلاب مشاهده می‌شود، پیروی احزاب و گروه‌ها از مردم است؛ در اکثر رویدادهای سیاسی مهم جهان، احزاب جریان‌ها را ایجاد و مردم از آنها پیروی می‌کنند اما در ایران چنین قاعده‌ای متفاوت شد و مردم همواره جلوتر از احزاب حرکت کردند و این موضوعی است که انقلاب اسلامی را از تمام انقلاب‌های دوران معاصر متمایز می‌کند. نکته مهم دیگری که در خوانش ویژگی‌های انقلاب اسلامی می‌توان گفت، جغرافیای بی‌نظیر ایران است؛ به‌نجوی که ایران از حیث استراتژیک برای کشورهای غربی و نیز شوری به‌شدت مهم بود. به جرئت می‌گویم که تمام خاورمیانه، اروپا، آمریکا و شوروی در سال‌های ۵۶ و ۵۷ بر ایران متمركز بودند. علاوه بر تمام عوامل مذکور، نقش ایران استرلج در خاورمیانه را نباید نادیده گرفت. انقلاب ایران، اسرائیل یک متحد تمام‌عیار را از دست داد و نتهتای ایران بعد از انقلاب متحشد نبود بلکه مقابله با اسرائیل به‌عنوان هدف اصلی نظام معرفی شد؛ هرچند امام از روزهای نخست قیام نیز علیه اسرائیل سخن می‌گفت و آن را به‌عنوان یک هدف مشترک تبیین می‌کرد.

✎ مهم‌ترین زمینه‌های داخلی وقوع انقلاب را چه می‌دانید؟

حکومت پهلوی چه در دوره رضاشاه و چه در دوره محمدرضاشاه در تقابل با مردم قرار داشت. نجبگان، اهالی سیاست، وطن‌دوست‌ها و به‌ویژه متدین‌ها را روحیه استبدادی نظام پهلوی به سستو آمده بودند. رضاشاه با تاسی از آتاترک در ترکیه درصدد دین‌زدایی بود و در حوزه سیاست داخلی نیز با مشت آهنین به سرکوب مردم می‌پرداخت. محمدرضا نیز همان سیاست‌ها را به شکل دیگری اجرا می‌کرد. وابستگی به کشورهای خارجی هم در دوره هر دو پادشاه وجود داشت؛ به‌نجوی که رضاشاه بیشتر به انگلستان و محمدرضاشاه بیشتر به آمریکا وابستگی داشتند. شاه هرچه جلوتر می‌رفت، ابزار بیشتری برای سرکوب منتقدان فراهم می‌کرد؛ در کنار این موضوع وابستگی‌اش به آمریکا نیز بیش از پیش می‌شد. شاه اقتصاد سنتی ایران را به بهانه صنعتی‌شدن اقتصاد، نابود کرد و با طرح انقلاب سفید در مقام عمل

سیاست

روایت مجید انصاری از اندیشه حکومت‌داری امام خمینی (ره) در گفت‌وگو با «شرق»:

مقبولیت در گرو رأی مردم



علیرضا سهرشد، ناظر شرق

مهرشاد ایمانی: انقلاب اسلامی ایران در شرایطی به پیروزی رسید که ساختارهای نظام پهلوی از حیث توسعه سیاسی با بن‌بست روبه‌رو شده بود. انسداد حاکم بر جامعه ایران، هماهنگ‌نبودن توسعه اجتماعی با خواسته‌های عموم مردم و مشارکت‌نکردن یا مشارکت‌ندادن مردم در تعیین چگونگی امور اجرایی و نظری همه‌ومه دست به دست هم دادند تا جامعه ایران از اصلاح نظام پهلوی ناامید شود و به فکر تغییر رژیم بیفتد؛ به‌نجوی که تمام نیروهای انقلابی اعم از سنت‌گرایان اسلامی، نوگرایان اسلامی یا همان روشنفکران دینی، چپ‌های اسلامی، باورمندان به اندیشه کمونیسم و حتی نیروهای غیرانقلابی مانند راست‌گرایان ملی به این جمع‌بندی رسیده بودند که با استمرار نظام پهلوی نمی‌توان به یک جامعه دموکراتیک نائل شد؛ از این‌رو در میان خطاهای محرز رژیم مانند سرکوب گسترده و خشن منتقدان و معترضان گروه‌ها و نیروهای سیاسی توانستند اتحاد مردم را به انقلاب بره برنهند تا در نهایت در بهمن سال ۵۷ نظام سلطنتی سقوط کند و نظام جمهوری اسلامی روی کار بیاید. مجید انصاری، فعال سیاسی اصلاح‌طلب که خود نیز در مبارزات انقلاب نقش داشته است، باور دارد که در کنار اسلام مهم‌ترین رکن انقلاب اسلامی شناسایی حق حاکمیت مردم است و نظام اسلامی زمانی بالنده می‌شود که اراده مردم همراهش باشد. برای بررسی اهداف انقلاب اسلامی با محوریت آرای امام خمینی (ره) ساعتی را با این فعال سیاسی به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

کشاورزی ایران را به نابودی کشاند و باعث مهاجرت روستاییان به شهرها شد و پدیده‌ای به نام حاشیه‌نشینی را ایجاد کرد. شاه یا بی‌توجهی به واقعیات اقتصادی نتوانست درآمدهای سرشار نفتی را که از سال ۵۴ به بعد کسب شد، مدیریت کند و بدون توجه به توصیه اقتصاددان‌ها عملاً سازمان برنامه‌ویبوجه را منحل کرد و بدون قاعده، تجهیزات نظامی زیادی از کشورهای غربی خرید که چنین خریدهایی سبب سرشاری برای کشورهای اروپایی، آمریکا و انگلستان به همراه داشت. در چنین فضایی خواص سیاسی، نجبگان، دانشگاهیان، جوزویان و به‌طور کلی عموم مردم ایران به‌شدت اعلام ناراضایی می‌کردند و از حکومت شاه ناامید شدند. واقعا محرومیت روستاها در پیش از انقلاب قابل تصور نیست. من در زمان طلبگی به شهرها و روستاهای متعددی سفر کردم؛ عموم روستاها جاده‌ای برای رفت‌وآمد نداشتند و مجبور بودیم که با اسب یا قاطر عبورومرور کنیم. در بعضی از روستاها حتی حمام وجود نداشت و روستاییان تنها می‌توانستند در تابستان و در رودخانه‌ها استحمام کنند؛ برق و تلفن که اصلاً موضوعی نداشت. روستاها در نهایت عقب‌ماندگی قرار داشتند و بسیاری از مردم ایران در بی‌سوادی مطلق به‌سر می‌پردند. فساد دربار و ریخت‌وپاش‌های فراوان نیز بر زمینه‌های خشم عمومی می‌افزود. فساد اخلاقی نیز به‌وفور وجود داشت و حسین فردوسی با عدالت‌ه علم در خاطرات خود به‌صراحت بر این موضوع صحه می‌گذارند. شاه هم در اواخر حکومتش آن‌قدر هم به آمریکا وابسته شده بود که حتی خودش گفت سفیر آمریکا به من گفت که از کشور برو. همه این‌عوامل باعث ناراضایی عمومی مردم شد و انقلاب اوج گرفت اما مقاله توهین‌آمیز احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات و شهادت فرزند امام یعنی حاج‌مصطفی خمینی یخ فضای سیاسی را آب کرد و باعث شد که مجالس متعددی در قم و شهرهای دیگر ایران برگزار شود. مردم ایران در آن روزها یک خواسته داشتند؛ تغییر رژیم پهلوی و آن را دنبال می‌کردند. محور تمام مبارزات برای مردم نیز امام خمینی بود و ایشان توانست در تمام ایام شکل‌گیری زمینه‌های انقلاب به بهترین شکل ممکن قیام را رهبری کند.

✎ شما اشاره کردید که احزاب و گروه‌ها در روند انقلاب پیرو مردم و امام بودند. چه عواملی باعث شد که گروه‌های بعضاً غیراسلامی با جریان انقلاب و خاصه با امام همراه شوند و رهبری او را بپذیرند؟ امام یک فقیه عالی‌رتبه، یک معلم اخلاق برجسته و یک روحانی آگاه به تاریخ ایران و اسلام بود. وقتی به جوانب زندگی او نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که از هر جهت امام در عالی‌ترین سطح قرار داشت. او از دوران نوجوانی روحیه ظلم‌ستیزی داشت و پدرش در مبارزه با خواین به شهادت رسیده بود. شاید مهم‌ترین وجه شخصیتی امام خودساختگی او باشد؛ به‌نجوی که جز خدا خود را وابسته به‌هیچ عنصری نمی‌دانست. این روحیه به او جسارتی می‌داد که آشکارا علیه ظلم موجود قیام کند و از هیچ خطری هراس نداشته باشد. امام تهدیده‌ها را به فرصت تبدیل می‌کرد و با مدیریت فوق‌العاده‌اش می‌توانست جمعی از یاران را در کنار خود داشته باشد. هنگامی که شاه با عراق رابطه خوبی پیدا کرد و امام مجبور به عزیمت از عراق شد، گفت که از این فرودگاه به راه فرودگاه‌های دیگر

پس از انقلاب می‌گفت که بهتر است روحانیون در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت نکنند؛ البته چنین موضوعی را برای مجلس مطرح نکرد زیرا باور داشت که مجلس وظیفه قانون‌گذاری را برعهده دارد و بهتر است در مجلس اول روحانیون حضور بیشتری داشته باشند و دلیل این موضوع نیز تطبیق قوانین سابق با احکام اسلام و وضع قوانین جدید بود. امام آنتجان به رأی مردم اعتقاد داشت که حتی در دوران جنگ نیز انتخابات متوقف نشد و حتی یک روز هم به تعویق نیفتاد؛ از سوی دیگر امام با قیام‌هایی افراد و گروه‌ها مشکل داشت. بهیاد دارم زمانی جامعه روحانیت مبارز و نظام مدرسنی‌قم می‌خواستند برای کل کشور لیست انتخاباتی ارائه دهند. امام احساس کرد که آنها می‌خواهند قیام‌هایی را ببندازند که مخالفت کرد و گفت مگر در شهرها و روستاهای کشور روحانی و عالم دینی وجود ندارد که شما برای کل کشور لیست می‌دهید؟ امام هیچ‌گاه حق خود را بر حق مردم مقدم نمی‌دانست. در یکی از ادوار مجلس یکی از اقوام نزدیک امام از شهر خمین نامزد انتخابات شده بود و در مقابل او فرد دیگری موفق به اخذ رأی شد و توانست از خمین به مجلس راه پیدا کند. برخی این رخداد را موجب تضعیف امام و خلاف جایگاه ایشان تلقی کردند اما امام به آنها گفت چه چیزی بهتر از اینکه در یک انتخابات آزاد یکی از اقوام من رأی نیاورده است و این نشان‌دهنده آزادی واقعی در انتخابات است. امام از اینکه مردم می‌توانستند آزادانه انتخاب کنند، لذت می‌برد. امام قدرت خود را در قدرت مردم می‌جست و همواره حافظ حق مردم بود. تقاضا می‌کنم که همه خوانندگان این گفت‌وگو فرمان هشت‌ماده‌ای امام و زمان دستور آن را مورد توجه قرار دهند؛ امام در اوج ترورها تصور گروه‌های معاند و در اوج جنگ تحمیلی که هر روز تشیع شهدای جنگ یا شهدای ترورها در خیابان‌های ایران برگزار می‌شد، مطلع شد که توسط برخی از ضابطان قوه قضائیه یا بازجویان، حقوق متهمان و دستگیرشدگان رعایت نمی‌شود؛ به‌محض آنکه از این موضوع آگاهی پیدا کرد، دست به قلم شد و در مقام مدعی‌العموم و مدافع حقوق زندانیان فرمانی تاریخی صادر کرد و گفت که هیچ‌کس حق نماینده تمام مردم نباشد. علاوه بر این امام با خشونت ندارد در تفتیش منازل، امری خارج از موضوع پرونده را ضمیمه کند یا کسی حق ندارد در احوال شخصی مردم جست‌وجو کند. در اوایل انقلاب برای کشف جرمی، تلفن یکی از مقامات شنود شده بود؛ وقتی خبر به امام رسید بسیار برآشفته شد و احساس خطر کرد که آرام‌آرام جست‌وجو در زندگی مردم عادی می‌شود. امام گفت کسی که شنود کرده است، مستوجب تعزیر است.

✎ ۴۰ سال از انقلاب می‌گذرد. چقدر به اهدافی که می‌گوئید رسیده‌ایم؟

خوشبختانه اسام، هم در حوزه نظری و هم در حوزه عملی مسیرهای روشنی را برای مردم و مسئولان مشخص کرد. امام به‌نجوی ساختارهای نظام را پی‌ریزی کرد و قانون‌گذاران طوری قانون اساسی را نوشتند که هیچ‌کس نمی‌تواند حقوق مردم را انکار کند. احترام به اقوام، مذاهب و ادیان علاوه بر آنکه در نگاه امام یک موضوع بدیهی بود در قانون اساسی نیز آمده است و نمی‌توان منکر چنین دستاوردهای دموکراتیکی شد. به‌محض آنکه انقلاب به پیروزی رسید با دستور امام برای رسیدگی به وضعیت طبقات محروم، جهاد سازندگی تأسیس شد و در دوران جنگ آقای مهدی بازرگان موسسوه به‌حق توانست کشور را به بهترین شکل ممکن اداره کند؛ به‌نجوی که مردم احساس فقر مطلق نکردند و هیچ‌گاه قطعی پیش نیامد. به‌طور کلی انقلاب اسلامی خودباوری، توسعه عدالت، ایستادگی در برابر ظلم، عمران و سازندگی، تکیه بر توان داخلی، برقراری تعامل سازنده با تمام دین‌داران، استعمارستیزی و عدم خودباختگی را به ارمان آورد. شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» نه‌تنها به معنای تخاصم با دنیا نبود بلکه ریشه در میل به توازن قدرت با کشورهای مختلف دنیا داشت. امام بر این باور بود که اگر نظام متکی بر شخص شود ولو آنکه آن شخص خودش باشد، آسیب‌پذیری می‌شود؛ از این‌رو همواره بر امر انتخابات تأکید می‌کرد. امام مردم را تکیه‌گاه نظام می‌دانست و هیچ‌وقت از این موضوع عدول نکرد. اکنون که ۴۰ سال از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد، باید گفت که در بعضی موارد توفیق‌های مهمی به دست آمده است. امروز با اطمینان می‌گویم که استقلال به‌طور کامل وجود دارد و تمامیت ارضی ایران در تمام این سال‌ها ذره‌ای مخدوش نشده و انسجام ملی به میزان قابل توجهی مشاهده می‌شود و در حوزه مردم‌سالاری ساختارها حفظ شده است اما نمی‌توان انکار کرد که مردم‌سالاری موجود تا حدودی دچار کاستی‌هایی شده است. مدارک بسیاری در حوزه تفسیر قانون اساسی وجود دارد که گاه تفسیرهای فراقانونی اصول این قانون را از معنا تهی می‌کنند؛ برای مثال در بحث نظارت بر انتخابات، شورای نگهبان نظارت را به مثابه دخالت فرض می‌کند، در صورتی که می‌دانیم فلسفه وجودی نظارت در مذاکرات قانون اساسی دفاع از حق مردم بوده است. قانون‌گذار نظارت را وضع کرد تا نهادهای به نام شورای نگهبان از خودرایی دولت‌ها جلوگیری کند. از نظر امام مجلس باید در رأس امور قرار داشته باشد در صورتی که با وضعیت پیش‌آمده مجلس سیر نزولی طی می‌کند. در حوزه مبارزه با فقر نیز مشکلات بسیاری وجود دارد؛ به‌نجوی که اکنون می‌توان گفت که نظام اقتصادی سالم و کارآمد منظر امام محقق نشده است.

که نظام پهلوی اصلاح‌پذیر نیست و حقوق مردم تنها با تغییر رژیم تحقق می‌یابد. در طرح ذهنی امام، برای ساختارگرایی سیاسی دو محور اولویت داشت؛ نخست آنکه کشور باید بر اساس قوانین اسلام اداره شود زیرا عموم مردم ایران مسلمان بودند و دوم آنکه حکومت باید با خواست و اراده مردم شکل بگیرد. امام باور داشت که قوانین اسلام در جامعه‌ای که اکثریت مردمش مسلمان‌اند، می‌تواند راهگشا باشد و از سوی دیگر رأی مردم عامل مشروعیت و مقبولیت نظام اسلامی است. در نگاه امام رأی مردم بسیار اعتبار داشت. امام همواره مردم را مخاطب قرار می‌داد و در تمام احوال به مردم رجوع می‌کرد. امام در سخنرانی بهشت‌زها بر موضوع بسیار دقیق و حقوقی را مطرح کرد و گفت که «من به پشتوانه مردم دولت تعیین می‌کنم». او می‌خواست تبیین کند که نمی‌توان بدین مردم حکومتی را بنا کرد. نکته به‌شدت مهم دیگری که امام گفت–قرب به مضمون– آن بود که به فرض، پدران ما به شما رأی داده باشند اما خواست امروز مردم چیز دیگری است. در اندیشه مردم مقبولیت یک امر دمانی نیست بلکه با تأیید مقام امام محقق می‌شود. امام به‌محض پیروزی انقلاب دستور تشکیل شورای انقلاب، تشکیل دولت موقت، برگزاری referendum تعیین نوع حکومت، تدوین قانون اساسی و برگزاری referendum قانون اساسی را داد و تمام اینها در یک سال یعنی سال ۵۸ تحقق یافت. امام در مقام عمل و قول همواره پاسدار حق حاکمیت مردم بود. او هیچ‌گاه ناهل نداشت که بستگانش در مناصب اجرایی حضور داشته باشند؛ حتی تا چند سال

ادامه در صفحه ۱۰

خبر

درخواست نمایندگان رسیدگی به موضوع لغو سخنرانی لاریجانی

● انتقادهای نمایندگان مجلس به لغو سخنرانی علی لاریجانی به نطق‌ها و تذکرها ختم نشد، دیروز ۱۹۱ نماینده در بیانیه‌ای خواستار رسیدگی به این موضوع شدند. احمد امیرآبادی‌فراهانی، عضو هیئت‌رئیس‌ه مجلس این خبر را اعلام کرد. در بخشی از این بیانیه آمده: «جا دارد ابراز تأسف خویش را در این مقطع حساس از هر حرکتی که وحدت بین آحاد مردم را خدشه‌دار می‌کند و گسست بین ملت و حاکمیت ایجاد می‌کند، محکوم نماییم و اعتراض خویش را نسبت به حرکت وحدت‌شکنانه امام‌جمعه محترم کرج مبنی بر لغو سخنرانی ریاست محترم و فرزانه مجلس شورای اسلامی جناب آقای دکتر لاریجانی که با دعوت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی سخنران مراسم روز پیروزی انقلاب اسلامی در کرج بودند را اعلام نماییم، این اقدام ایشان و موارد نامشابهی که برای برخی از همکاران نماینده پیش آمده را توهین به ساحت مردم و رکن رکن نظام و انقلاب یعنی مجلس شورای اسلامی و برگزیدگان ملت می‌دانیم و خواستار رسیدگی به این امر توسط نهادهای ذی‌ربط هستیم».

ادامه از صفحه اول

بیماری از شما، درمان از ما!

چهارم؛ در ایران به چرخه سالم و پاک سلامت دسترسی نیافته‌ایم. تولید ثروت از طرف مردم، واگذاری بخشی از ثروت تولیدشده به عنوان مالیات و درآمد پاک به دولت (یا به بی‌بها)، ارائه خدمات اجتماعی مانند سلامت از طرف دولت (بیمه‌ها) به مردم، در یک اقتصاد زمین‌گیر و مبتنی بر منابع طبیعی نمی‌توان انتظار یک نظام سلامت منظم و توسعه‌یافته را داشت. نبود تولید ثروت واقعی و گسترش فقر باعث شده در ایران دولت و بیمه‌های دولتی متولی اصلی سلامت باشند. با توجه به ضعف دولت در مدیریت سلامت، به شکل متناقضی در یک دومیونی مرکزبار، هم بیمه‌های دولتی از کسری بودجه عمیق رنج می‌برند، هم بیمارستان‌ها به مرحله ورشکستگی رسیده‌اند و هم پرداخت از جیب مردم بهبود قابل‌توجهی نیافته و بخش زیادی از هزینه‌های سلامت با پرداخت مستقیم پول قابل دریافت هستند. از طرفی در طرح تحول، دولت پزشکان را به استخدام خود درآورده است. به صورت سنتی و طبق عرف رایج در در نظام خصوصی، پزشکان حق خود می‌دانند که در ازای ارائه هر خدمت هزینه دریافت کنند. فارغ از درستی یا نادرستی این نوع استخدام، تعرفه‌های ارزان خدمات پزشکی (در مقایسه با سایر خدمات) و ساختار بدون نظارت و محدودیت به پزشکان اجازه می‌دهد هر چقدر که توان دارند خدمات ارائه دهند و هزینه بیشتری دریافت کنند. در طرح تحول، دولت بدون پشتوانه بیمه‌ای مطمئن و بودجه مناسب، متولی پرداخت هزینه‌های روزافزون سلامت شد. به تبع آن پزشکان به صورت طبیعی در یک قرارداد سه‌سویه بین بیمار، بیمه دولتی غیرقابل‌اعتماد (منابع نامتناهی فرض‌شده قابل دریافت بدون آسیب‌زدن به بیمار) و خود پزشک در شرایط تعارض منافع (conflict of interest) قرار گرفتند. به همین دلیل انتظار صرفه‌جویی در شرایط تعارض منافع غیرمنطقی است و به اتمام منابع متناهی انجامید. محدودیت‌های اخیر بیمه‌ها در پذیرش بیمار نیز منجر به افزایش صف انتظار بیمارستان‌های دولتی و بی‌عدالتی در ارائه خدمات گزینشی شده است. شکی نیست که وزارت بهداشت در سالیان متمادی تغییر رفتارهای نادرست بهداشتی–درمانی عملکرد بهینه و مطلوب نداشته است. اینها ولی هیچ یک نافی پیشرفت‌های آشکار در بهبود شاخص‌های درمانی و بهداشتی چون رشد شبکه بیمارهای واکیر، کنترل رشد جمعیت در دهه ۷۰، بهبود آمارهای مرگومیر مادران و کودکان، بهبود شاخص‌های امید به زندگی، به‌کارگیری روش‌های درمانی نوین، افزایش دسترسی به خدمات بهداشتی–درمانی تا عمق روستاها نیست. هراس نویسندگان این مقاله از رسیدن نظام سلامت و درمان به نقطه‌ای بی‌بازگشت یا شکست طرح تحول سلامت، انباشت توقعات معقول و غیرمعقول، فریه‌سازی مداوم ساختار سلامت دولتی و رول‌رویی احتیاب‌ناپذیر با تنگناهای مالی است. شاید توقعات سیاسیون، مردم و پزشکان از طرح تحول نظام سلامت با واقعیات موجود متناسب بود اگر مسئولان زودتر و آشکارتر از تنگناهای موجود سخن گفته بودند. شاید هزینه‌های نظام سلامت چنین سر به فلک نمی‌کشید اگر به توسعه همه‌جانبه و نقش بی‌بدیل آموزش در جهت‌دهی درست به خواسته‌های عمومی از نظام سلامت و ارتقای آموزش جسم و بهداشت روان توجه بیشتری می‌شد. شاید طرح تحول نظام سلامت «جاه ولی» نبود اگر هر یک از ما به مسئولیت‌های انسانی، فردی و اجتماعی خود باور بیشتری داشتیم.

✱ پزشک و پژوهشگر، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ✱پزشک و پژوهشگر، مرکز پزشکی دانشگاه رجبوند، استن آیلند، نیویورک